

## بررسی مقایسه‌ای سیاست عربستان و قطر در قبال داعش در سوریه

\*حسین رفیع<sup>۱</sup>، حسین معین آبادی بیگدلی<sup>۲</sup>، مرتضی شیخ دره‌نی<sup>۳</sup>

۱. دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران
۲. استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و الهیات، دانشگاه شهید باهنر، کرمان، ایران
۳. دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

### اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۲۷ بهمن ۱۴۰۱  
تاریخ پذیرش: ۱۰ مرداد ۱۴۰۱  
تاریخ انتشار: ۲۰ شهریور ۱۴۰۱

### چکیده

داعش نام اختصاری گروه تروریستی عراق و شام از اسلام‌گرایان افراطی است. در جریان رشد داعش، سوریه با توجه به تحولات داخلی خود بستر مناسبی برای رشد و اعلام خلافت این گروه بوده است. با شروع بحران داخلی سوریه نقش برخی از بازیگران منطقه‌ای برای رشد داعش و تعمیق این بحران توجیه‌پذیر است. بازیگران منطقه‌ای دخیل در تحولات سوریه از جمله کشورهای عربی که در رأس آن‌ها عربستان سعودی و قطر بودند سیاست‌های متفاوتی را در قبال داعش در سوریه به‌کار گرفتند. این کشورها از سیاست‌ها و ابزارهای مختلفی برای حمایت از داعش استفاده کردند. برخلاف ادعای عربستان مبنی بر رد تروریسم و انواع آن، همواره شاهد استفاده از این موضوع در سیاست‌های این کشور در منطقه و تحولات آن هستیم. در کنار عربستان، قطر به‌عنوان کشوری کوچک علاقه زیادی به گسترش تأثیرات خود بر تحولات منطقه‌ای با استفاده از ابزار تروریسم و افراط‌گرایی اسلامی دارد. در این پژوهش به دنبال پاسخ این پرسش هستیم که سیاست ریاض و دوحه در قبال داعش در سوریه چیست؟ در پاسخ این فرضیه مطرح است که این دو کشور در جریان تحولات سوریه با ابزارها و شیوه‌های مختلف از داعش در برابر دولت مرکزی سوریه حمایت‌های گسترده‌ای کرده‌اند. سیاست‌های عربستان و قطر با وجود شباهت، تفاوت‌های جزئی دارد. پژوهش حاضر به‌شکل مقایسه‌ای و با استفاده از روش توصیفی تحلیلی نوشته شده است.

### کلیدواژه‌ها:

تروریسم، داعش،  
سوریه، عربستان  
سعودی، قطر.

### \* نویسنده مسئول:

دکتر حسین رفیع

نشانی:

دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

پست الکترونیک:

[h.rafi@umz.ac.ir](mailto:h.rafi@umz.ac.ir)

### استناد به این مقاله:

رفیع، حسین، معین آبادی بیگدلی، حسین، شیخ دره‌نی، مرتضی، (۱۴۰۱) بررسی مقایسه‌ای سیاست عربستان و قطر در قبال داعش در سوریه. مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام، (۴)، (۲)، ۸۲-۶۱

## ۱. مقدمه

یکی از موضوعات مهم در چند دهه گذشته مسئله تهدید تروریسم است که هر روزه بر اهمیت آن در ادبیات سیاسی و روابط بین‌الملل افزوده می‌شود. در این میان منطقه خاورمیانه اهمیت زیادی دارد. این منطقه به دلیل زادگاه اسلام و اسلامی بودن کشورهای آن و از همه مهم‌تر برداشت‌های افراطی و انحرافی برخی گروه‌های اسلامی از دین اسلام، سبب شده است همواره شاهد افکار و ایدئولوژی‌های افراطی و به وجود آمدن گروه‌های اسلامی تروریستی مختلفی باشیم. بعد از حادثه تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ توسط گروه تروریستی القاعده، منطقه خاورمیانه با چالش‌های امنیتی فراوانی مواجه شده است که آثار آن مدت‌ها در اذهان عمومی دولت‌ها و به‌ویژه مردم این منطقه برجای مانده است. از دیگر گروه‌های تروریستی تشکیل شده در این منطقه، گروه داعش است که تحقیق و بررسی در روند شکل‌گیری بنیادی و فلسفه وجودی این جریان تروریستی، ایدئولوژی جهادگرایی سلفی است (KhushBein, Baghani, 2018: 109-10). بیشتر فعالیت این گروه در سوریه و بخش‌های از عراق متمرکز بوده است.

سوریه کشور مهمی است که همواره در جهان سیاست اهمیت ویژه‌ای دارد؛ به طوری که آن را به‌منزله پاشنه آشیل منطقه خاورمیانه می‌دانند (Al-Abdeh, 2012: 21). با آغاز ناآرامی‌های سیاسی در سوریه به واسطه اعتراض‌های مارس ۲۰۱۱ که ناشی از تحولات سیاسی کشورهای عربی بود، داعش به‌عنوان قدرتمندترین گروه تروریستی در طول تاریخ خاورمیانه اعلام موجودیت کرد و با اعلام و ادعای ایجاد حکومت اسلامی در سوریه و شهرهایی از عراق و با اجرای اقداماتی، یا بهتر است بگوییم برخی جنایت‌های ضد بشری نام خود را در صدر رسانه‌ها و خبرهای بین‌المللی قرار داده است. در جریان رشد سریع داعش و تعمیق بحران در سوریه علاوه بر عوامل بی‌ثبات‌ساز داخلی، برخی منابع حمایتی خارجی سبب قدرتمندی داعش در این کشور شده‌اند. همچنین تحولات سوریه بستر مناسبی برای بهره‌برداری بازیگران منطقه‌ای فراهم کرده است از جمله کشورهای عربی در رأس آن‌ها عربستان و قطر که سیاست و راهبردهایی در قالب بسته‌های حمایتی مختلفی را در قبال گروه داعش در سوریه به‌کار گرفته‌اند با تبدیل شدن فرقه سلفیت وهابی به‌عنوان آیین رسمی و سیاسی کشور عربستان (Alrebh, 2017: 279-28). این کشور در خط مقدم حمایت از گروه‌های سلفی وهابی بوده است و همه گروه‌های جهادی سنی داعش، القاعده، جبهه النصره، فرزندان ایدئولوژیک وهابیت هستند که عربستان سعودی در کشورهای مختلف تزریق کرده است (Ibish: 2015). در کنار عربستان، قطر

برخلاف بسیاری از کشورهای کوچک، اشتیاق زیادی برای گسترش تأثیرات خود بر تحولات خارج از کشور دارد و همواره از گروه‌های اسلامی میانه و گاه دارای تفکرات افراط‌گرایی اسلامی نیز آشکارا حمایت می‌کند. این کشور با گروه‌هایی مانند حماس، حزب الله و طالبان رابطه داشته است (Aigala, 2016: 27-8).

این دو کشور که از متحدان اصلی غرب هستند همواره از گروه‌های مختلف سیاسی افراطی برای رسیدن به منافع خود از راه‌های سیاسی، مالی و نظامی حمایت کرده‌اند. در این زمینه، بارها سندها و افشاگری‌های زیادی مبنی بر نقش و حمایت این کشورها از گروه‌های تروریستی از جمله گروه تروریستی داعش ارائه شده است. سخنان بایدن، معاون باراک اوباما، رئیس‌جمهور آمریکا در دانشگاه هاروارد، نشان می‌دهد که «گروه دولت اسلامی با کمک و حمایت مالی و تجهیزاتی متحدان منطقه‌ای ما (کشورهای عربی حوزه خلیج فارس) ایجاد شده است» (Plett Usher, 2014). این کشورها با حمایت از گروه‌های افراطی از جمله داعش، بیانگر خشونت فرقه‌وهابیت سعودی است و گسترش ایدئولوژی وهابی سعودی به تولید این جریان‌های افراطی و تروریستی دامن زده است (Christina Lin, 2015: 3). در این پژوهش به دنبال پاسخ این پرسش هستیم که سیاست ریاض و دوحه در قبال داعش در سوریه چیست؟ در پاسخ این فرضیه مطرح است که این دو کشور در جریان تحولات سوریه با ابزارها و شیوه‌های مختلف از داعش در برابر دولت مرکزی سوریه حمایت‌های گسترده‌ای کرده‌اند. سیاست‌های عربستان و قطر با وجود شباهت، تفاوت‌های جزئی دارد. سیاست‌ها و عملکرد این دو کشور با داشتن جهت‌گیری‌های مشابه و گاهی متفاوت منجر به تعمیق بحران در سوریه شده است.

## ۲. پیشینه پژوهش

با توجه به نبودن موضوع، کتاب و مقاله‌ای کامل به این موضوع پرداخته است. پژوهش‌هایی که به این موضوع اشاره کرده‌اند در ادامه می‌آوریم. آثار منتشرشده به زبان فارسی، عربی و انگلیسی است. در آثار منتشرشده به زبان فارسی، مقاله زارعی و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله «بررسی تحلیلی آینده سیاست‌های عربستان سعودی در قبال بحران سوریه» بر این باورند که در بحران سوریه، از میان بازیگران خارجی متعدد و تأثیرگذار منطقه‌ای بر تحولات سوریه، عربستان سعودی بوده است که به علت حضور و نفوذ پررنگ خود، از اوایل ناآرامی در سوریه، نسبت به دیگر کنشگران منطقه‌ای، از اهمیت فراوانی برخوردار است. در این پژوهش، آینده

سیاست‌های این کشور را در قبال بحران سوریه ترسیم کرده و بر مبنای اصول حاکم بر آینده‌پژوهی، محتمل‌ترین سناریو را برای آینده رویکرد عربستان در سوریه در نظر می‌گیریم. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد سیاست‌های عربستان سعودی در قبال بحران سوریه، به‌عنوان یکی از عوامل اصلی تداوم این بحران در گذشته، حال حاضر و آینده تأثیرگذار خواهد بود. صفوی و خاکسار (۱۳۹۷) در مقاله «تحلیل تأثیر داعش بر معادلات سیاسی امنیتی خاورمیانه» ابعاد مختلف تأثیرات ظهور داعش در تحولات خاورمیانه را بررسی کرده‌اند. از دیدگاه آن‌ها اولین و مهم‌ترین پیامد ظهور گروه تروریستی داعش در منطقه، تضعیف جبهه مقاومت در مقابل اسرائیل است. علاوه بر ابعاد سیاسی، پیامدهای منفی بحران داعش منجر به تأثیرات منفی بر اقتصاد و توسعه کشورهای منطقه داشته است.

در پیشینه پژوهش به زبان عربی میتوان به نوشته جواد شرقی اشاره کرد. جواد شرقی (۲۰۱۹) در مقاله «نقش اتحادیه عرب در بحران سوریه» او معتقد است اتحادیه عرب نقش فعالی در بحران سوریه داشته و اقدامات بسیاری را علیه نظام سیاسی بشار اسد انجام داده است. از این اقدامات تعلیق عضویت سوریه از اتحادیه عرب و تصمیمات و بیانیه‌هایی سیاسی و حقوق بشری است که علیه این دولت صادر کرده است. اما با این حال، نقش اتحادیه در بحران سوریه به‌واسطه ضعف عمومی و جدی‌نبودن در تصمیمات این اتحادیه، منجر به تشدید اوضاع در سوریه و دخالت قدرت‌های بزرگ در امور این کشور شده است.

در پیشینه پژوهش به زبان انگلیسی، تانسن<sup>۱</sup> (۲۰۱۹) در مقاله «دولت اسلامی پس از خلافت» معتقد است گروهی که در حال حاضر به نام دولت اسلامی (داعش) شناخته می‌شود، سابقه طولانی دارای و منشأ آن به گذشته بر می‌گردد و شرایط خاص تاریخی، سبب ظهور چشمگیر آن شده است. نویسنده بر این باور است که داعش به احتمال زیاد، برای سال‌های آینده به‌صورت یک تهدید امنیتی باقی خواهد ماند. زیرا این گروه با وجود داشتن ایدئولوژی به‌ظاهر محکم، توانایی قابل توجهی برای زنده ماندن و به نمایش گذاشتن خود دارد. هاوو<sup>۲</sup> (۲۰۱۸) در مقاله «خاورمیانه: منشأ دولت اسلامی (داعش)» معتقد است داعش یک گروه تروریستی فراملیتی و شورشی اسلام سنی است که سبب بی‌ثباتی و ناامنی در خاورمیانه، به‌ویژه در عراق و سوریه شده است. بنابراین داعش با توجه به ماهیت و تمرکز خود مبنی

1. Truls Hallberg Tonnessen
2. Mediel HOVE

بر تسلط بر جهان و تشکیل حکومت جهانی، رشد و توسعه آن نه تنها برای خاورمیانه بلکه برای جهان تهدید محسوب می‌شود. نویسندگان نتیجه می‌گیرند که حضور ایالات متحده آمریکا و فعالیت‌های آن در خاورمیانه و عراق، سبب توسعه ایدئولوژی و حضور داعش در عراق و سوریه شده است. همان‌گونه که پیشینه نشان می‌دهد هر یک از پژوهشگران از زاویه‌ای ویژه به ابعاد موضوع پژوهش پرداخته‌اند و هیچ یک از آثار به بررسی مقایسه‌ای سیاست عربستان و قطر در قبال داعش در سوریه نپرداخته‌اند. در واقع نوآوری پژوهش حاضر این است که به صورت مقایسه‌ای عملکرد دو کشور از خاورمیانه عربی را در ارتباط با گروه داعش در سوریه بررسی می‌کنیم که تاکنون مغفول مانده است.

### ۳. چارچوب نظری

مبنای پژوهش در بررسی مفاهیم و متغیرهای اصلی مانند امنیت، قدرت، منافع ملی، هژمونی در منطقه نیازمند بهره‌گیری از نظریه واقع‌گرای سیاسی است. بسیاری از کشورها درک و تصور درستی از مقوله‌هایی همچون امنیت و قدرت نداشته و در قبال مسائل موجود رفتاری همراه با عقلانیت و سنجیده از خود نشان نمی‌دهند. از این منظر، با رویکرد واقع‌گرای به‌خوبی می‌توان روابط بازیگران را در عرصه‌های بین‌المللی و رفتارهای عینی آن‌ها را ارزیابی کرد. اولین فرض واقع‌گرای این است که دولت بازیگر اصلی در روابط بین‌الملل است. این امر نشان می‌دهد که همه رهبران، صرف نظر از اقلیت سیاسی خود، می‌کوشند امور دولتی خود را برای بقا در یک فضای رقابتی اداره کنند (Camisao, 2017: 15). این دیدگاه، بقا را اصلی‌ترین هدف و انگیزه رفتار بین‌المللی دولت‌ها دانسته و معتقد است بدون وجود بقا، هیچ دولتی برای افزایش توان ملی در عرصه‌های بین‌المللی گام برنخواهد داشت (Waltz, 1979: 112). از آنجا که واقع‌گرایان نظام بین‌الملل را آنارشیک تصور می‌کنند؛ امنیت را باید مسئله‌ای اساسی در این منطقه در نظر گرفت. برای دستیابی به این موضوع، کشورها ابتدا می‌کوشند قدرت خود را افزایش دهند (Karpowicz, 2017: 5).

منطقه خاورمیانه با توجه به داشتن تنوع و تعدد بازیگران و تداخل کارکردی؛ همواره تلاش برای بقا در این فضای پیچیده و پرمخاطره از اهداف و اولویت‌های اصلی دولت‌های موجود بوده است. بر این اساس منطق هابزی به‌خوبی می‌تواند ساختار روابط را در این منطقه به تصویر بکشد. خاورمیانه یک محیط منطقه‌ای پرمخاطره از جهت همکاری‌های سیاسی است. نبود

تعاملات اقتصادی قابل توجه در این منطقه، نفوذپذیری در مقابل مداخلات خارجی، تعارضات ایدئولوژیک بازیگران و نبود همکاری و تشریک مساعی در این منطقه سبب شده است سطح منازعات، چندوجهی و دارای لایه‌های مختلف باشد. براساس این منطق در واقع گرایبی، نوعی بی‌اعتمادی در این منطقه حاکم است؛ به‌گونه‌ای که هیچ دولتی نمی‌تواند روی وعده کماک دیگران حساب کند (Anberloo, 2010: 50). عواملی همچون فروپاشی اتحاد شوروی، پایان جنگ سرد، حمله ایالات متحده آمریکا و متحدانش به افغانستان و عراق در سه دهه گذشته سبب شد خلأ قدرت در این دو کشور ایجاد شود. همین امر زمینه را برای شکل‌گیری گروه‌های تروریستی فراهم کند. در چنین وضعیتی، برخی از کشورهای عربی مانند عربستان سعودی و قطر برای گسترش نفوذ منطقه‌ای خود با کاربست سیاست‌های مختلف زمینه را برای آغاز شکل‌گیری برخی از جریان‌های افراطی ایجاد کردند (Khaxar, Safaviy 2018: 39). به‌واسطه کمک‌های مادی و معنوی این دو کشور، برخی از جریان‌های افراطی و سازمان‌های تروریستی به‌عنوان واحدهای تأثیرگذار در تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی شکل گرفتند. می‌توان گفت این دو کشور، در افزایش توسعه و نفوذ گروه‌های تندرو نقش مؤثری داشته‌اند. به‌طوری که بیشترین نقش و تأثیر را در روند قدرت‌یابی این گروه‌ها به‌کار گرفته‌اند.

#### ۴. مبانی فکری داعش

در سال ۱۹۹۹ گروهی به نام «جماعت التوحید و الجهاد» به رهبری يك تبعه اردنی به نام ابومصعب الزرقاوی تأسیس شد. این جماعت، نخستین هسته تشکیل گروه داعش است (2018: 5, HOVE). در سال ۲۰۰۶ ابومصعب الزرقاوی رهبری گروه موسوم به «دولت اسلامی» که در اصل شاخه‌ای از القاعده در عراق بود را بر عهده داشت. او در همین سال در عملیات هوایی ارتش ایالات متحده کشته شد (Jani, 2021: 99). جانشین زرقاوی، ابویوب المصری، دستیار ارشد الزرقاوی و بمب‌ساز مصری بود که در افغانستان آموزش دیده است. المصری یک عراقی به نام ابوعمر البغدادی را به‌عنوان رئیس گروه انتخاب کرد (Tonnessen, 2019: 6). پس از کشته‌شدن ابوعمر بغدادی در سال ۲۰۱۰، ابوبکر البغدادی به‌عنوان جایگزین و رهبر جدید، بیعت خود را با «ایمن الظواهری» جانشین بن لادن اعلام کرد و رهبری گروه تروریستی دولت اسلامی عراق را برعهده گرفت (Jani, 2021: 99). بعد از مدتی، البغدادی نام گروه جماعت التوحید و الجهاد را به دولت اسلامی عراق و شام یا به اختصار «داعش» تغییر داد (2017, Lindstaedt). البغدادی در همین زمان، آغاز خلافت اسلامی را اعلام و خود را خلیفه جامعه

مسلمین خوانند. این تاریخ (۲۹ ژوئن ۲۰۱۴) را می‌توان به‌عنوان نقطه آغاز و تاریخ واقعی تأسیس دولت اسلامی عراق و شام در منطقه دانست (Allaqi, 2017: 52). البغدادی محدوده خلافت اسلامی خود را از کشورهای ساحلی دریای مدیترانه تا خلیج فارس اعلام کرد که شامل سرزمین‌های مهم و راهبردی منطقه است.

داعش یکی از مرگ‌بارترین سازمان‌های تروریستی در تاریخ معاصر شناخته شده است. مهم‌ترین محرک شکل‌گیری و اقدامات تروریستی این سازمان، ایدئولوژی و مبانی فکری آن است. این ایدئولوژی است که داعش را به کشتار و اقدامات تروریستی در قالب جهاد تشویق و ترغیب می‌کند (Allaqi, 2017: 54-7). بدون فهم مبانی اعتقادی و ایدئولوژیکی آن، درک و توجیه درستی از اقدامات این سازمان به دست نمی‌آید (Hassan, 2016: 6). بر این اساس، داعش فراتر از یک تروریستی خرابکار است. این گروه جنبشی سیاسی نظامی است و از نسخه رادیکالی از اسلام سرچشمه گرفته است. بر این اساس است که جهان‌بینی و اندیشه [افراطی] خود را بر مسلمانان و غیرمسلمانان به روشی یکسان تحمیل می‌کند (HOVE, 2018: 4). این گروه از نظر اعتقادی به سلفیت باز می‌گردد. این دیدگاه سلفی جنبشی سنی مذهب به‌شمار می‌آید. اما این نوع تفکرات از سلفیت، به‌عنوان یک مذهب متمایز از چهار مکتب فقهی اهل سنت (حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی) است. این گروه، با این وجود اینکه خود را به مذهب حنبلی معرفی می‌کنند، اما این مذهب (تفکر) نماینده کل اهل سنت نیست و در هیچ یک از قالب‌ها و نظریه‌های فکری مذهب‌های سنی قرار نمی‌گیرد (F.Alrebh, 2017: 279). خشونت، قتل و کشتار و هر چیزی که در مبانی اعتقادی سلفی بر مرتد و کشتن در راه خدا استوار بوده است، هسته اصلی این جریانات تکفیری تروریستی را تشکیل می‌دهد. به‌طور کلی، مبانی و اندیشه‌های اعتقادی گروه داعش همانند بسیاری از گروه‌ها و سازمان‌های تروریستی، برگرفته از همان اندیشه‌های سلفی و خط‌مشی تفکرات ابن تیمیه (قرن هفتم) و محمد بن عبدالوهاب (قرن دوازدهم) است.

## ۵. شیوه‌ها و ابزارهای عربستان و قطر در حمایت از داعش

همان‌گونه که مشخص است، تشکیل دولت اسلامی عراق و شام (داعش) به گروه جماعت التوحید و الجهاد در سال ۲۰۰۴ به رهبری ابومصعب الزرقاوی باز می‌گردد (Javadchouki, 2018: 132). با روی کار آمدن ابوبکر البغدادی، دامنه عملیات و حملات این گروه تروریستی



گسترش یافت و هم‌زمان با آغاز بحران در سوریه، عناصر این گروه در سوریه نیز فعال شدند. به واسطه بحران سیاسی در سوریه، دولت اسلامی عراق به پناهگاه امنی دست یافت. داعش در آن دوره، آن قدر قوی شد که توانست از القاعده سر پیچی کند و با دیگر گروه‌های تروریستی اتحاد برقرار کند (Feaver, Brands, 2017: 31). با آغاز جنگ داخلی سوریه نیروی این گروه وارد آنجا شدند و به سرعت بخش‌های مهمی از قسمت شمالی سوریه را تصرف کرده‌اند و شهر رقه را به‌عنوان پایتخت خود انتخاب کردند (Jani, 2021: 104). این گروه با افزایش سرعت متصرفات خود در ژوئن ۲۰۱۴، ادعا خلافت جهانی به رهبری ابوبکر البغدادی به‌عنوان خلیفه مسلمین کرد (Abdul Maliki, 2016: 2-3). داعش به سرعت به یکی از قوی‌ترین شبه دولت‌های تروریستی پس از ۱۱ سپتامبر تبدیل شد (Feaver, Brands, 2017: 11). پرسش این است که داعش چگونه توانست در زمان اندکی چنین فتوحاتی را به‌دست آورد؟

حمایت‌های خارجی مهم‌ترین عواملی هستند که در سرعت رشد و پیشرفت این گروه تروریستی نقش داشته است. بسیاری از تحلیلگران معتقدند گروه تروریستی داعش، از گستردگی پشتیبانی و منابع حمایتی کشورهای غربی و عربی هم‌زمان برخوردار بوده است. برخی از پژوهشگران نیز پیدایش این گروه تکفیری را نتیجه سیاست‌های گذشته ایالات متحده آمریکا در خاورمیانه مرتبط میدانند. نوآم چامسکی می‌گوید: «پیدایش داعش و گسترش عمومی رادیکالیسم و اختلافات فرقه‌ای نتیجه دست‌اندازی سال ۲۰۰۳ و اشینگتن در جامعه شکننده عراق است». در این میان، نقش عربستان سعودی و دیگر هم‌پیمانانش در تولد و توسعه داعش، کاملاً محسوس است (Chomsky, 2015). اما در تشکیل داعش علاوه بر آمریکا، کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس نقش به‌سزایی داشته‌اند و عامل اصلی و مهم در شکل‌گیری این گروه تروریستی هستند؛ به‌طوری که این مسئله بارها از سوی مقامات آمریکایی نیز افشا و اعلام شده است. در مورد سیاست‌های عربستان و قطر در قبال گروه تروریستی داعش در سوریه، حمایت‌ها و اقداماتی است که این کشورها در عرصه‌های گوناگون دیپلماتیک، رسانه‌ای، مالی و لجستیکی در قبال این گروه، در برابر دولت مرکزی در سوریه انجام دادند که به‌صورت مقایسه‌ای بررسی می‌کنیم.

## ۵-۱. تحركات سیاسی و دیپلماتیک

آغاز ورود عربستان به تحولات سوریه به بیانیه ملک عبدالله در ۷ اوت ۲۰۱۲ باز میگردد. در



این بیانیه که خطاب به دولت سوریه صادر شده است، ضمن محکوم کردن حکومت سوریه، برخی اصلاحات به بشار اسد پیشنهاد می‌شود. در بحران سیاسی پیش آمده در این کشور، عربستان سعودی از نخستین کشورهای عربی است که به صراحت از دولت اسد انتقاد می‌کند (Nakamura, 2013: 9) و سفیرش را در اعتراض به سرکوب مردم سوریه از دمشق فراخوانده و در سخنانی در تلویزیون خواستار توقف ماشین کشتار و خون‌ریزی شد. این کشور در پاییز ۲۰۱۱ دیپلمات‌های سوری در کنسولگری جده را اخراج کرد و با اخراج سفیر سوریه، در مارس ۲۰۱۲ سفارتش را در دمشق بست (Jansis and Partners, 2015: 80). قطر همچون عربستان حمایت از جنبش‌ها و گروه‌های اسلامی مبارز در سوریه را از سر گرفت (Zak syrup, 2014: 159). اما وقتی مشخص شد رژیم اسد در سیستم دولتی خود اصلاحات ساختاری انجام نمی‌دهد و مردم غیرنظامی را سرکوب و هدف قرار می‌دهد، به سرعت سیاست مقابله با اسد را دنبال کرد (Gorgulu, 2018: 9). قطر اولین کشوری بود که سفیران خود را به عنوان اعتراض از سوریه فراخواند و سفارت خود را در دمشق تعطیل کرد (Katari, 2013: 11). همچنین با یک اقدام نمادین دیگر به بازگشایی سفارت مخالفان و معارضان دولت بشار اسد در دوحه دست زد. این اقدامات را ابتدا کشور کوچک قطر علیه اسد انجام داده است. در حالی که هیچ کشور دیگری چنین اعمال سیاسی و دیپلماتیکی را انجام نداده است (Gorgulu, 2018: 9).

تفاوت آن‌ها این است که عربستان سعودی که از دیرباز مشکلات عمیق با سوریه (در رابطه با لبنان و ایران) داشت، اعتراضات داخلی سوریه را فرصتی مناسب برای تضعیف و ضربه زدن به نظام سوری دید و خواست دمشق را زیر فشار قرار دهد (Daraj, Jumazadeh, 2018: 6-94). قطر برخلاف عربستان در گذشته یکی از قوی‌ترین و نزدیک‌ترین متحدان رژیم بشار اسد در سوریه بود (MacManus, 2014). برخلاف قطر، عربستان بیشتر برای مهار مسائل و نارضایتی‌های داخلی و منحرف کردن افکار داخلی به خارج از کشور، وارد تحولات سوریه شده است. قطر از کشورهای است که در سال‌های اخیر با ایفای نقشی فزاینده از جایگاه و ظرفیت‌هایش، توانسته است، وزن و تأثیرگذاری زیادی در سطح بین‌المللی داشته باشد. این کشور برخلاف عربستان به دنبال ایفای نقشی فعال در سطح منطقه‌ای و نفوذ پررنگ در سوریه است و این را اولویت سیاست خارجی خود قرار داده است (and Partners, 2014: 135-6). ریاض و دوحه از اصلی‌ترین حامیان و نیروهای پیشبرنده برای تغییر رژیم بشار اسد هستند. بر همین اساس همه تلاش خود را با تحرکات و ابزارهای سیاسی و دیپلماتیک

برای حمایت از گروه‌های اسلامی و داعش انجام دادند.

## ۵-۲. پشتیبانی مالی

عربستان از اصلی‌ترین تأمین‌کنندگان مالی شورشیان و سازمان‌های تروریستی از دهه ۱۹۷۰ بوده است. بر اساس تخمین وزارت امور خارجه ایالات متحده، عربستان در چهار دهه گذشته بیش از ۸۰ میلیون دلار برای جایگزینی اسلام خشن و وهابی به جای جریان‌های اصیل اسلامی مذهب سنی هزینه کرده است (Bassiri, Saldurgar, 2017: 558). بنابر اسناد رسمی ایالات متحده که در سایت ویکی لیکس در سال ۲۰۱۰ منتشر شد، سعودی‌ها مهم‌ترین اهداکنندگان کمک مالی به تروریست‌های سنی در سراسر جهان بودند (Aigala, 2016: 3). بر اساس گزارش اندیشکده واشینگتن (خاور نزدیک) در سال ۲۰۱۴ کشورهای عربی جنوب خلیج فارس به ویژه عربستان از سال ۲۰۱۱ به این سو صدها میلیون دلار به گروه‌های تروریستی مانند داعش در سوریه کمک‌های مالی فرستاده است (Erdem and Partners, 2020: 160). عربستان با داشتن توانایی اقتصادی بالا با هدف گسترش نفوذ منطقه‌ای خود در تحولات گوناگون منطقه‌ای به تشکیل و گسترش طیف گسترده‌ای از جریان‌های افراطی کمک کرده است.

قطر نیز به پشتیبانی منابع مالی فراوان به نقش‌آفرینی در تحولات منطقه‌ای رو آورده است. در ارتباط با سوریه، قطر به شکل رسمی در کنفرانس استانبول اعلام کرد حاضر است به نظامیان و معارضان مخالف در سوریه حقوق ماهیانه پرداخت کند. همچنین با عربستان و امارات متحده عربی توافقی مبنی بر پرداخت کمک‌های مالی به مخالفان حکومت اسد کرده‌اند. بنابر این توافق، قرار است این پول برای فرستادن سلاح، آموزش جنگجویان و تروریست‌های خارجی برای ایجاد ناامنی و مبارزه با دولت سوریه شود (Bisharati, Nkohei, 2016: 73). یکی از حمایت‌های مالی قطر به تروریست‌های مخالف سوری کمک مالی بیش از ۳ میلیون دلاری در سال ۲۰۱۲ به شورشیان است. این کمک‌ها به شورشیانی داده شده است که در استان حلب سوریه با دولت جنگیده‌اند. این افراد ماهیانه حدود ۱۵۰ دلار از این کشور دریافت می‌کردند (Bassiri, Saldurgar, 2017: 560). رائد العزازی، سردبیر وبسایت العسار، در مصاحبه با العین نیوز گفت بنابر اسنادی که در سال ۲۰۱۴ به دست آمده است، تأیید می‌شود که قطر با پرداخت ۵۰ میلیون دلار از ورود داعش به رقه و موصل در عراق حمایت کرده است (Ammar, 2018). علاوه بر این دو دولت، بازیگر سوم در حمایت از گروه تروریستی داعش،

افراد غیردولتی، به‌ویژه مؤسسات خصوصی و خیریه‌ها در منطقه خلیج فارس بوده‌اند که نقش در خورتوجهی در حمایت از شورشیان مسلح داشته و بودجه زیادی اهدا کرده‌اند به شبه‌نظامیانی که با اسد می‌جنگند.

تفاوت این دو کشور در حمایت مالی از داعش این است که عربستان سعودی و قطر با توجه به منابع اقتصادی فراوان، به‌طور مشابه سازمان‌های خیریه مذهبی و سازمان‌های خصوصی را تشویق کردند یا حداقل به آن‌ها اجازه دادند آشکارا برای مبارزه مسلحانه در سوریه پول جمع‌آوری کنند (Phillips 2017:7). اما مهم‌ترین تفاوت این دو کشور در حمایت مالی از گروه تروریستی داعش در سوریه تنها، تفاوت‌های شکلی آن است. در همین زمینه، عربستان سعودی بیشتر حمایت‌های مالی خود را از راه درگاه‌های مالی دولتی و مؤسسات وابسته حکومتی انجام داده است؛ اما قطر، بخش زیادی از کمک‌ها و حمایت‌ها مالی را به‌وسیله مؤسسات خیریه و مراکز غیردولتی انجام داده است (Phillips, 2015: 42-8). منابع اقتصادی فراوان این دو کشور، فرصت و ظرفیت مهمی برای نفوذ و نقش‌آفرینی در منطقه و تحولات آن را مهیا کرده است. این امر سبب شده است با استفاده از منابع گسترده مالی برای سیاست‌های منطقه‌ای خود هزینه کنند.

### ۳-۵. حمایت لجستیکی

در کنار تحرکات دیپلماتیک، عربستان سعودی کمک‌های تسلیحاتی زیادی به شورشیان تروریست در سوریه کرد. بعد از فرستادن سلاح در ۲۴ فوریه ۲۰۱۲ به شورشیان مسلح، وزیر امور خارجه عربستان این اقدامات علیه بشار اسد را رضایت‌بخش خواند و آن را برای حفاظت از شورشیان در برابر دولت سوریه حیاتی دانست (Tigri, kohken, 2014: 121). ارسال و قاچاق انواع سلاح، کمک و ارائه راهکارهای جنگی به آنان و ارتباط دادن آن‌ها با رسانه‌های بین‌المللی از اهداف مهم عربستان در کشور سوریه بوده است. بنابر اسناد و باور بسیاری از تحلیلگران، حمایت عملیاتی عربستان از گروه‌های تروریستی در سوریه، شامل آموزش تروریست‌ها در چگونگی استفاده از انواع تسلیحات جدید دفاعی و تهاجمی، موشک‌های ضدتانک و ده‌ها مورد سلاح سنگین و سبک می‌شود (Erdem and Partners, 2020: 160). برای اولین بار در ژوئن ۲۰۱۲ اولین محموله سلاح عربستان سعودی در مرز ترکیه با سوریه به‌دست گروه‌های تندرو اسلامی رسید (Phillips, 2015: 4). در دسامبر ۲۰۱۲ موج تازه‌ای از ارسال سلاح به گروه‌های شورشی مسلح سرازیر شد که بخش عمده‌ای از این سلاح‌ها از خاک ترکیه و اردن به شورشیان مسلح

رسید (Jansis and Partners, 2015: 83). این موارد تنها نشانه‌های جزئی از دخالت عربستان سعودی در سوریه برای حمایت از مخالفان تکفیری بشار اسد است؛ در حالی که حمایت‌های عربستان از شورشیان سلفی در سوریه بسیار گسترده‌تر از این موارد است.

بعد از اینکه قطر توانست در متقاعد کردن بشار اسد به کناره‌گیری از قدرت کاری از پیش برد؛ خواست با کنار گذاشتن راهکارهای سیاسی که نتیجه‌ای به همراه نداشت برای مسلح کردن مخالفان سوری در کنار عربستان و دیگر کشورهای غربی به‌طور فعال وارد عمل شود (Asadi, 2012: 111). این کشور از مهم‌ترین کشورهای عربی حامی مداخله نظامی در سوریه برای کمک به نیروی مخالف برای مقابله با دولت مرکزی اسد بود (Stuster, 2017: 4). دوحه، خواستار مداخله مسلحانه و تسلیح مخالفانی بود که علیه رژیم اسد می‌جنگیدند. این کشور به تهنایی شروع به پرداخت حقوق و تهیه سلاح به وسیله ترکیه به گروه‌های اسلامی و ارتش آزاد سوریه کرد. برآوردها نشان می‌دهد قطر بزرگ‌ترین کمک‌کننده به مخالفان و تروریست‌های سوری بوده است (Zak syrup, 2014: 160). از ابتدای ژوئن ۲۰۱۲ قطر با همکاری عربستان، تلاش‌هایش را برای انتقال سلاح و حمایت از شورشیان سلفی افزایش داد (Jansis and Partners, 2015: 83). بنابر گزارش مؤسسه بین‌المللی پژوهش‌های صلح استکهلم، قطر بیشترین محموله تسلیحاتی را به سوریه فرستاده است (Smith, Khalaf, 2013: 1).

تفاوت این دو کشور در زمینه حمایت لجستیکی این است که حمایت‌های عربستان سعودی تا پیش از سال ۲۰۱۳ معمولاً غیرعلنی و مخفیانه بود (Phillips, 2015: 4). اما قطر برخلاف عربستان به‌صورت علنی و رسمی تسلیحات نظامی را از سال ۲۰۱۱ به سوریه آغاز کرده است (Asadi, 2012: 111). قطر در حمایت تسلیحاتی از داعش از سیاست تهاجمی برهم‌زدن وضع موجود در سوریه پیروی می‌کرد؛ اما در مقابل، عربستان از رویکردی محافظه‌کارانه و بر پایه حمایت از حکام عرب به جز بشار اسد تبعیت می‌کرد (Razavian and Partners, 2014: 141). شایان توجه اینکه قطر در زمینه مداخله نظامی در سوریه هم‌زمان از دو سناریوی مهم پیروی میکرد؛ ابتدا حمایت از گروه‌های سلفی و کمک برای فرستادن این گروه‌ها به سوریه و دیگری، ایجاد بسترهای لازم برای حمله نظامی قدرت‌های فرامنطقه‌ای به سوریه مانند مداخله غرب در لیبی در حالی که عربستان بیشتر بر حمایت از گروه‌های تندروی سلفی تمرکز داشته است (Bakhshi, 2017). این‌ها تنها بخشی از حمایت‌های لجستیکی ریاض و دوحه از تروریست‌های مخالف بشار اسد بوده است. زمانی که دولت بشار اسد در برابر شورشیان

داخلی مقاومت کرد، این کشورها حمایت‌های خود را از گروه تروریستی داعش گسترش دادند. پس از تصرف شهرهای مختلف سوریه توسط داعش، نقش ریاض و دوحه در تقویت و تجهیز این گروه تکفیری افزایش یافت.

#### ۴-۵. ابزار سازمانی ریاض و دوحه

بهره‌گیری از اتحادیه عرب نمونه‌ای از اقدامات سازمانی ریاض و الدوحه است. اتحادیه عرب نقش مهمی در بحران سوریه داشته است و برای ایجاد فشار از هیچ اقدامی فروگذار نکرده است (Adami, Bakhshi Talabi, 2013: 8). دستگاه دیپلماسی عربستان سعودی در چند مسیر مختلف فعال بود؛ به طوری که این کشور خواستار فشار بیشتر بر سوریه به وسیله اتحادیه عرب بود. همچنین با ایجاد راهی برای ارتباط با تروریست‌های داخلی برآمد تا فشار بر دولت اسد را بیشتر کند (Harriet, 2012: 8). اتحادیه عرب، نقش فعالی داشت برای زیرفشار قراردادن اسد به وسیله سازوکار خود همانند لیبی. عربستان به همراهی قطر در اتحادیه عرب، در نشست ۱۲ نوامبر ۲۰۱۲ عضویت این کشور را با ۱۹ رأی موافق، ۲ رأی مخالف و ۱ رأی ممتنع به حالت تعلیق درآورد. اتحادیه عرب همچنین از اعضای خود خواست که سفیران خود را از سوریه فراخوانند (Jansis and Partners, 2015: 80-1). این تصمیم به‌عنوان یکی از مهم‌ترین وقوی‌ترین اقدامات اتحادیه از زمان تأسیس خود بوده است.

اقدام سازمانی قطر در اتحادیه عرب در ۱۶ نوامبر ۲۰۱۱ در مورد وضعیت سوریه و تصویب پیش‌نویس پروتکل (قطعنامه شماره ۷۴۳۹) برای حل بحران سوریه و حمایت از غیرنظامیان انجام شد (Javadchouki, 2019: 217). در نشست ۲۷ مارس ۲۰۱۳ سران اتحادیه عرب در دوحه، ائتلاف ملی نیروهای انقلابی و مخالف سوریه را به‌عنوان نماینده قانونی مردم به رسمیت شناخت. بدین ترتیب کرسی سوریه در این نشست در اختیار این ائتلاف قرار گرفت و بر آن نیز تأکید شد (Javadchouki, 2019: 220). در نامه نخست وزیر قطر (حمد بن آل ثانی) و رئیس اتحادیه عرب (نبیل العربی) به دبیر کل سازمان ملل، آن‌ها خواستار بررسی موضوع سوریه در شورای امنیت شدند (Blair, Samir, 2012). با وجود بن بست در شورای امنیت قطر به همراهی برخی کشورها از جمله عربستان موضوع سوریه را به مجمع عمومی سازمان ملل متحد ارجاع داد و قطعنامه‌ای علیه دولت سوریه به دست آورد، اما به دلیل غیرالزام‌آور بودن آن قدرت اجرایی ندارد و تنها در افزایش فشار سیاسی بر دولت سوریه مؤثر بوده است (BBC News).

. (2012)

تفاوت قطر و عربستان در رابطه با اتحادیه عرب این است که عربستان به هنگام بحران سوریه و کاربرد فشار و تحریم‌های گوناگون علیه این دولت از اعضای عادی اتحادیه بود، اما قطر قوی‌ترین بازیگر با نفوذ در حل بحران سوریه در اتحادیه عرب بود که ریاست دوره‌ای آن را از نوامبر ۲۰۱۱ تا مارس ۲۰۱۲ بر عهده داشت (El Etreby, 2014: 78). موضع دو کشور با وجود وحدت در برخورد با نظام سوریه، در دو نهاد شورای همکاری خلیج فارس و اتحادیه عرب، اما اختلاف نظر جزئی بین این دو در حمایت از گروه تروریستی داعش و دیگر گروه‌های اسلامی تندرو وجود داشته است. عربستان بیشتر از گروه‌های نظامی تندرو اسلامی (داعش و النصره) یا سکولار غیر از گروه اخوان المسلمین حمایت می‌کرد، اما قطر برخلاف عربستان بیشتر به گروه‌های نظامی نزدیک به اخوان المسلمین گرایش داشت (barsay, 2013). ترس عربستان از حکمرانی نیروهای اخوان المسلمین در جهان عرب به دلیل خوانش و تفسیر خاصی است که اخوان از حکومت‌داری در اسلام دارد. این خوانش متفاوت است با روایت ویژه‌ای که منبع مشروعیت حاکمان سعودی است (Razavian and Partners, 2014: 163). بحران سوریه نشان داد اتحادیه عرب بیشتر در تسلط ریاض و دوحه بوده است. این موضوع نشانه آشکاری است از استقلال‌نداشتن و ابزاری بودن این اتحادیه در پیشبرد اهداف خارجی برخی از اعضا (عربستان و قطر).

## ۵-۵. حمایت تبلیغاتی و رسانه‌ای

قدرت نرم، آخرین ابزاری بود که هم ریاض و هم دوحه در بحران سوریه برای حمایت از تروریست‌های تکفیری به کار گرفتند (Phillips, 2015: 49). اما تفاوت‌های این دو کشور در بهره‌برداری از این ابزار چنان است که عربستان سعودی در این مرحله از اقدامات و سیاست‌های خود در قبال داعش علیه دولت بشار اسد با دستاویز قراردادن شعائر دینی و فتوای مفتیان مذهبی، از معارضان حمایت کرده و برای تروریست‌های سوریه نیروی کمکی فرستاده است (Asseburg, 2013:3). علاوه بر فتوای تبلیغاتی در حمایت از داعشی‌های تکفیری، حمایت رسانه‌ای دیگری در شبکه‌های اجتماعی این کشور وجود داشته است. به طوری که بیشترین مواضع تبلیغاتی تروریستی متعلق به کاربران شبکه‌های مجازی سعودی بوده است (Alishahi and Partners, 2018: 55). این شیوه سبب ترغیب جوانان برای رفتن و کمک به تروریست‌ها

در سوریه شده است. برخلاف عربستان، تبلیغات رسانه‌ای شبکه الجزیره تنها ابزاری است که قطر از آن برای اجرای اهداف و منافع خود در حوادث سوریه استفاده کرده است (2014, MacManus). الجزیره مهم‌ترین ابزار قدرت نرم سیاست خارجی قطر است که در ارتقای موقعیت این کشور در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی به آن متکی است (El Haouari, 2018: 24).

## ۶. اهداف و منافع سیاسی

عربستان در حمایت از داعش در سوریه اهداف کوتاه‌مدت و بلندمدت دارد. در بخش اهداف کوتاه‌مدت، عربستان با هدف انحراف افکار عمومی داخلی از شرایط نامطلوب سیاسی و اجتماعی موجود در این کشور، با ورود به بحران سوریه کوشید افکار عمومی داخلی خود را از نابسامانی موجود به خارج منحرف کند (Nakamura, 2013: 12). این کشور علاوه بر اهداف کوتاه‌مدت این اهداف و راهبردهای بلندمدت را دارد:

۱. مهار کردن قدرت و نفوذ ایران در سوریه و منطقه: حمایت‌های سیاسی، امنیتی و ژئوپلیتیکی عربستان از داعش نشان می‌دهد که این کشور می‌خواهد از افزایش قدرت و ارتقای نقش منطقه‌ای ایران جلوگیری کند. عربستان به‌طور مشخص، سوریه را از دریچه رقابت‌های منطقه‌ای با ایران (مهار الگوی نفوذ ایران) می‌نگرد و بر همین اساس با دولت اسد مخالف است.

۲. مقابله با محور مقاومت و دفاع از محافظه‌کاری عربی: یکی از جلوه‌های تقابل عربستان در برابر سوریه به سیاست‌های سوریه در منطقه باز می‌گردد. سعودی‌ها همواره حمایت سوریه از گروه‌های مقاومت را خطری برای منافع و آینده پادشاهی‌های محافظه‌کار خود می‌دانند. تقابل دو ایدئولوژی مقاومت و محافظه‌کاری عربی همواره تأثیر خود را بر نگرش دو کشور سوریه و عربستان به‌جا گذاشته است.

۳. گسترش مرجعیت عربستان و گفتمان سلفی‌گری در سوریه: کوشش عربستان سعودی در زمینه گسترش افکار افراطی و تبلیغ این افکار، تاحدی بوده است که برخی از لایه‌های اجتماعی این کشور را به حمایت از چنین رویکردی واداشته است. البته حمایت از گروه‌های افراطی توسط عربستان، پیشینه‌ای طولانی دارد، اما دولت عربستان این حمایت‌ها را در سال‌های اخیر به اوج خود رسانده است (Zarei and Partners, 2021: 17).



مهم‌ترین انگیزه قطر در سیاست خارجی، تضمین امنیت و ادامه بقای خود است. بر همین اساس تحرکات سیاسی این کشور در حمایت از داعش، فقط جنبه ابزاری در جهت تأثیرگذاری در جامعه عربی و بین‌المللی دارد. قطر می‌خواسته است با استفاده از تحولات سوریه و با حمایت از داعش در سوریه به این اهداف سیاسی دست یابد:

۱. تأثیرگذاری بر تحولات لبنان با خارج کردن سوریه از شمار حامیان حزب الله: نقش آفرینی سوریه در معادلات سیاسی لبنان و قرارگرفتن دمشق به‌عنوان دولت حامی مقاومت اسلامی، بر اهمیت راهبردی این کشور افزوده است. حضور محسوس و تأثیرگذار دولت سوریه بر سیاست داخلی لبنان، کمک شایانی به مقاومت لبنان کرده است.

۲. نشان دادن نقش رهبری اهل سنت با حمایت از تغییر حکومت شیعیان علوی در سوریه: قطر به‌طور رسمی وهابی است و با گروه‌های مختلف وهابی در ارتباط است. قطر همانند عربستان سعودی به‌شدت نگران نفوذ منطقه‌ای ایران به‌ویژه در میان شیعیان سوریه است. این کشور تلاش میکند نقش و نفوذ ایران را کاهش دهد. در واقع، مقابله با نفوذ جریان‌های شیعی نزدیک به ایران در سوریه و کشورهای منطقه از اهداف منطقه‌ای دوحه است (Nunlist, 2015: 2).

۳. به‌قدرت‌رساندن گروه‌های سلفی نزدیک به تفکر اخوان المسلمین در سوریه: قطر به‌عنوان بازیگر فعال و مخالف بشار اسد، سیاست خارجی خود در مقابل سوریه را تلاش برای تکمیل هلال اخوانی از تونس و بنغازی به قاهره و از آنجا به دمشق در نظر گرفته است (Razavian and Partners, 2014: 163).

۴. همکاری با غرب در خارج کردن سوریه از مدار مقاومت: به‌دلیل ارتباطات گسترده سیاسی و نظامی قطر با غرب و با توجه به ظرفیت ناچیز قطر در معادلات منطقه‌ای و جاه طلبی‌های سردمداران این کشور برای ایفای نقش پررنگ‌تر از ظرفیت سرزمینی خود، چاره‌ای جز تأمین نظر غرب در معادلات منطقه‌ای ندارد. (Zarei and Partners, 2021: 33)

۵. افزایش جایگاه منطقه‌ای و نشان دادن نقش برتر خود در تحولات منطقه خاورمیانه عربی: قطر با نقش آفرینی در معادلات منطقه‌ای به‌دنبال بازتعریف نقش برجسته خود در تحولات منطقه بوده و توانسته است جایگاه مناسبی را به‌دست آورد.

## ۷. نتیجه

با گسترش ناآرامی‌ها در سوریه و آغاز بحران سیاسی، در ابتدا نقش عوامل داخلی پررنگ به نظر می‌رسید، اما با نگاه عمیق‌تر به این بحران نشان می‌دهد که علاوه بر نیروهای داخلی، عوامل و منبع نفوذ خارجی سبب تشدید و تعمیق بحران سوریه شده است. به طوری که بعد از قدرت‌گیری و اعلام خلافت خودخواندگی گروه تروریستی داعش در سوریه، این کشور عرصه تاخت‌وتاز و بهره‌برداری سیاست‌های بازیگران خارجی شد. عامل اصلی گسترش تحولات داخلی سوریه و تبدیل آن به بحران منطقه‌ای و بین‌المللی، حضور پررنگ بازیگران خارجی و صف‌آرایی آن‌ها در این بحران است. هر یک از بازیگران خارجی دخیل در بحران به دنبال سیاست‌ها و منافع خود هستند. بر همین اساس عربستان و قطر از مهم‌ترین بازیگران دخیل در تحولات سوریه هستند. این دو کشور با توجه به ساختار سیاسی و هویتی خود به دنبال اهداف و منافع سیاسی ویژه در سوریه بوده و در آغاز بحران با دولت این کشور به تقابل پرداخته و سقوط دولت بشار اسد را در دستور کار سیاست خارجی خود قرار داده‌اند. این کشورها در شروع بحران سوریه و تحولات آن در عرصه‌های گوناگون دیپلماتیک، رسانه‌ای، مالی و لجستیکی حمایت گسترده‌ای از داعش کردند. ورود این دو بازیگر در بحران سوریه سبب طولانی‌شدن جنگ داخلی شد و نقش تخریبی و گسترش جنگ را به عهده داشت. قرارگرفتن عربستان و قطر در یک جبهه، نشان اشتراک نظر ریاض و دوحه علیه بشار اسد است. اما این اشتراک نظر به معنای وحدت و اشتراک کامل این دو کشور نبوده و اختلافاتی در اهداف با یکدیگر داشته‌اند.

یافته‌های مقاله نشان می‌دهد دو کشور قطر و عربستان در مورد چگونگی حمایت از داعش و تفاوت در اهداف نسبت به یکدیگر اختلاف نظر داشته‌اند. به طوری که هدف قطر تشکیل دولت اخوانی در منطقه خاورمیانه عربی است، اما نگرش عربستان در حمایت از گروه تروریستی داعش، مقابله با دولت بشار اسد نزدیک به ایران و جلوگیری از هژمونی منطقه‌ای ایران و تقابل با مبانی فکری شیعی در خاورمیانه است. بر این اساس می‌توان گفت سیاست و عملکرد این دو کشور در تحولات سوریه با وجود مشابهت‌های فراوان، تفاوت‌های جزئی دارد و در مواردی شکلی است. عربستان و قطر نقش انکارناپذیری در تقویت و گسترش داعش در سوریه داشته‌اند. سیاست اصلی این دو کشور در حمایت از داعش، سقوط و پایان دادن به نظام سیاسی موجود در سوریه، تضعیف کشورهای رقیب (ایران) در جهان عرب و گسترش نفوذ خود در منطقه بوده است.

## ملاحظات اخلاقی

### حامی مالی

این مقاله حامی مالی ندارد.

### مشارکت نویسندگان

تمام نویسندگان در آماده سازی بخش های مختلف این مقاله مشارکت کرده اند.

### تعارض منافع

بنا به اظهار نویسندگان، در این مقاله هیچگونه تعارض منافی وجود ندارد.

### تعهد کپی رایت

طبق تعهد نویسندگان، حق کپی رایت (CC) رعایت شده است.



## References

- Ali Adami, Ali, Bakhshi Taliabi, Ramin (2013) "The Arab League's approach to the Syrian crisis", Quarterly Journal of Political and International Knowledge, Second Year, Second Issue, Summer 2013, pp. 18-1 [InPersian]
- Asseburg, Muriel (2013), "Syria's Civil War: Geopolitical Implications and Scenaris, German Institute for International and Security Affairs" (SWP), <https://www.swp-berlin.org/>
- Allaqi, Mohamed (2017), "Extremist Islamic groups reading in historical roots and intellectual sources", Journal of Human Sciences - University Center Tindouf – Algeria [In Arabic]
- Al-Abdeh, Malik, (2012). "The Media War in Syria" Saudi Research and Marketing Group, at from <http://www.majallah.com/eng/2012/10/>
- Abdolmaleki, Payam (2015), "Supporters of ISIL, Jurisprudence and Principles", Missionary Magazine, No. 73 to 199, February and March [InPersian]
- Ammar, Rasha (2018), Qatar supported ISIS with \$50 million for the occupation of Mosul, Al Ain News, Abu Dhabi time. Available at [https://al-ain.com/article/qatar-terrorism-syria-iran-\[In Arabic\]](https://al-ain.com/article/qatar-terrorism-syria-iran-[In Arabic)
- Alrebh, Abdullah F (2017), A Wahhabi Ethic in Saudi Arabia, Grand Valley State University usa, sociology of islam 5 (2017) 278-302
- Blair, Edmund, Samir, Ayman (2012), "Arabs seek U.N. support for Syria peace plan" Emerging Markets, January 24, from <https://www.reuters.com/>
- Basiri, Mohammad Ali, Saldorgar, Elaheh (2017), "Study of the causes and factors of the formation of ISIL" Quarterly Journal of Politics, Journal of the Faculty of Law and Political Science, Volume 47, Number 3, Fall [InPersian]
- BBC News (2012), Syria draft resolution heads to UN General Assembly, BBC News February 11
- Brands, Hal, Feaver, Peter (2017), " Was the Rise of ISIS Inevitable?, Survival

Global Politics and Strategy from <https://doi.org/10.1080/00396>

Chomsky, Noam (2015), "America paved the way for ISIS": [http://www.salon.com/2015/06/26/america\\_paved\\_the\\_way\\_for\\_isis/](http://www.salon.com/2015/06/26/america_paved_the_way_for_isis/)

Johnsiz, Ahmad; Bahrami Moghadam, Sajjad; Sotoudeh, Ali (2015), "Iran-Saudi Arabia confrontation in the Syrian crisis" Journal of Political Studies of the Islamic World: - Issue 12, Winter 2014, pp. 67-92 [InPersian]

Jawad Sharqi, Nahrain (2019), "The Role of the League of Arab States in the Syrian Crisis", Journal of Political Science, International Studies Branch / College of Political Science / University of Baghdad [In Arabic]

Jani, Murad (2021), "The Spread of the Idea of the Islamic State in Africa and the Challenge of Renewed Terrorism in the Neighborhood of Algeria", The Algerian Journal of Political Studies, Volume 8, Issue: 1 (2021), pp. 95-116 [In Arabic]

Ghaemi Khoshbin, Ali, Baghani, Farahnaz (2018), "The Intellectual Roots of ISIS", Kharazmi History, Volume 6, Number 23, Autumn [InPersian]

HOVE, Mediel (2018), "Middle East: The Origins of the 'Islamic State' (ISIS)"

Durban University of Technology Durban, South Africa, Issue 23, April, pp. 3-22

Hassan, Hassan (2016), "The Sectarianism of the Islamic State: Ideological Roots and Political Context," Carnegie Endowment for International Peace, Carnegie Middle East Center, Beirut, Lebanon [In Arabic]

Erdem, Nilufer; Imam Jamazadeh, Seyed Javad; Godarzi, Mahnaz (2020), "Protecting ISIS and balancing the brunt of Iran (2018-2014)" Journal of International Relations Research, No. 35, [InPersian]

El Etreby, Basma (2014) Qatar foreign policy and the arab spring: from mediaion to intervention, a Thesis Submitted to Department of Political Science The American University in Cairo, 2014

Khaksar, Ali Mohammad, Safavi, Hamzeh (2018), "Analysis of the impact of ISIS on the political and security equations of the Middle East", Geographical

- Research Quarterly, Thirty-third year, first issue, spring2019, consecutive issue 128 [InPersian]
- Katari, Ravi (2013) ,”Medical Neutrality and Solidarity in the Syrian Armed Conflict”. The Jo of Global Health. Vol 6. No 3. pp 1-14
- Koohkan, Alireza, Tajri, Saeed (2014) “The Syrian Crisis and the Regional Policy of Saudi Arabia (2011 to 2014)”, Quarterly Journal of Strategic Policy Research, Third Year, Issue 10, Fall 2014 (Serial Issue 40) [InPersian]
- Lin ,Christina (2015) ,” ISIS and the Saudi Wahhabi Threat to Asian Security, ISPSW Strategy Series : Focus on Defense and International Security ,Issue No. 361
- Lindstaedt, Natasha (2019), “Al-Baghdadi’s death: the rise and fall of the leader of State” University of Essex from [https://theconversation.com/al-](https://theconversation.com/al-islamic) Islamic
- Nakamura ,Satoru, (2013), “Saudi Arabian Diplomacy during the Syrian Humanitarian Crisis” IDE-JETRO: Institute of Developing Economics, Available at: <http://www.ide.go.jp>
- Nunlist, Christian (2017), “War in Yemen: Revolution and Saudi Intervention”, Journal of CSS Analyses in Security Policy, No 175. pp 1-11.
- Mohammadian, Ali, Torabi, Qasem (2015) “Bases and factors influencing the formation of the ISIL terrorist group” Defense policy, Twenty-fourth year, No. 39 [InPersian]
- Phillips, Christopher (2017), Eyes Bigger than Stomachs: Turkey, Saudi Arabia and Qatar in Syria Volume24, Issue1, Pages 36-47
- Plett Usher, Barbara (2014), “Joe Biden apologised over IS remarks, but was he right?” BBC statedeartme correspondent.from <https://www.bbc.co.uk/news/world->
- Phillips ,C (2015), “Gulf Actors and the Syria Crisis’ in The New Politics of Intervention of Gulf Arab States ,London School of Economics and Political

Science Middle East Centr, Collected Papers Vol. 1, 41-51

Razavian, Mohammad Hossein, Ebrahimifar, Tahereh, Sanai, Ardeshir (2014) Examining the commonalities and differences between the foreign policy of Saudi Arabia and Qatar in the face of the Syrian crisis, Islamic Azad University, Central Tehran Branch - Faculty of Political Science, 2014 [In Persian]

onnessen, Hallberg (2019), "The Islamic State after the Caliphate" PERSPECTIVES ON TERRORISM; .Volume 13, Issue 1

Waltz, Kenneth (1979), "Theory of International Politics", Addison-Wesley, Philippines

Zaki Shurrab, Munther Ahmed (2014), "Qatari foreign policy in light of the Arab political transformations 2003-2012 AD." Deanship of Postgraduate Studies and Scientific Research, College of Arts and Humanities, Middle East Studies Program, Al-Azhar University [In Arabic]

Zarei, Ghorbani & Hekmatara (2021) An Analytical Review of the Future of Saudi Arabia's Policies in Relation to the Syrian Crisis, with Emphasis on Futures Studies Approach, Fall 2021, Vol.10, NO.3, 1-29 [In Persian]

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی